

نقش مبارزاتی مردم استان چهارمحال و بختیاری در انقلاب اسلامی با تکیه بر نظریه پخش «هاگراستراند»

ماشالله ایزدی*

فیض اله بوشاسب گوشه**

علیرضا ابطیحی***

چکیده

در پژوهش حاضر هدف اصلی بررسی نقش مبارزاتی مردم استان چهارمحال و بختیاری در پیروزی انقلاب اسلامی است. روش تحقیق کیفی - توصیفی از نوع مطالعات تاریخی است و روش گردآوری داده‌ها اسناد و مدارک مربوط به انقلاب به تحلیل این روند پرداخته شده است. در این راستا با تأکید بر مردمی بودن انقلاب ایران و نقش مؤثر رهبری، ایدئولوژی و مذهب در انقلاب اسلامی، با استفاده از نظریه پخش «تورستن هاگراستراند»، ضمن بررسی راه‌های نفوذ و انتقال جریان‌ها و امواج انقلابی به استان، به چگونگی پیدایش و روند وقوع انقلاب اسلامی در استان پرداخته می‌شود. نتایج تحقیق حاکی از آن است که مردم این استان در جریان انقلاب اسلامی، با وجود مراکز چونی حوزه‌های علمیه و مساجد استان که مرکز ثقل انقلاب و هسته اولیه تشکیلات آن محسوب می‌شد، با تکیه بر شخصیت‌های انقلابی و روحانیون که مروج ارزش‌های انقلابی در بین مردم بودند، دست به اقدام عملی زده و با شرکت فعال در راهپیمایی‌ها، تظاهرات، و سایر اقدامات مبارزاتی، به نوبه خود نقش به‌سزایی در

ezadi.ma@gmail.com

f.boushasb@yahoo.com

abtahi1342@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۳۰

*. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

** استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

*** استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۸

تحقق انقلاب اسلامی ایفا کردند. در پایان کارشکنی‌ها و فعالیت‌های سازمانها و گروه‌های مخالف انقلاب به ویژه سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی مدرن یعنی ساواک در ایجاد خلل در روند فعالیت‌های انقلابیون در استان بررسی شده است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، چهارمحال و بختیاری، شبکه‌های مؤثر انقلابی، ساواک

مقدمه

از ویژگی‌های بارز انقلاب اسلامی ایران، حضور گسترده و تعیین کننده مردم در آن بود؛ به طوری که مردم شهرهای مختلف کشور در مراحل شکل‌گیری انقلاب نقش اساسی را به عهده داشتند و غالباً علما و روحانیون به عنوان مروج ارزش‌ها و تعالیم انقلاب در میان اقشار مختلف مردم دارای نقش به سزایی بودند. شبکه گسترده روحانیون در شهرها و مناطق مختلف کشور مانند رسانه‌ای پر قدرت، به سازماندهی و انتقال اطلاعات مربوط به انقلاب مشغول بودند و پیام‌های امام خمینی در شهرها و مناطق مختلف کشور از این طریق انتقال پیدا می‌کرد. استان چهارمحال بختیاری واقع در جنوب غربی کشور به مرکزیت شهرکرد، در جنوب اصفهان و شمال استان خوزستان واقع شده است. نگاهی گذرا به گوشه‌ای از سوابق برجای مانده از انقلاب، گویای آن است که مردم این استان، از آغازین روزهای حرکت امام خمینی، در صحنه‌های گوناگون انقلاب اسلامی حضور داشته‌اند.

سابقه مبارزاتی مردم استان چهارمحال و بختیاری به دهه ۴۰ با حضور علما از قم و اصفهان به این استان بر می‌گردد. در این مبارزات با مشارکت اقشار مختلف مردم طی سال‌های ۵۶ و ۵۷ به اوج خود می‌رسد. در این راستا شهادت سید عباس صالحی و شهید خسرو سلیمی ناغانی در آذر ماه ۱۳۵۷ دلیل روشنی بر این مبارزات مردمی است. هم چنین حضور هزاران تن از مردم شهرکرد در همراهی با مردم فارسان در تشییع جنازه و خاکسپاری شهید داوودی (در ۱۳ بهمن ۱۳۵۷)، شرکت گسترده مردم شهرکرد با نقش مؤثر روحانیت در راهپیمایی روز ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ در حمایت از دولت بازرگان و پیوستن اکثر سازمان‌های اداری شهرکرد با صدور اطلاعیه‌ها به تظاهر کنندگان و تدارک راهپیمایی بزرگ حمایت از دولت منتخب امام در روز ۱۸ بهمن ۵۷، از جمله فعالیت‌های مردم در این روزها است. در شهر بروجن نیز به همین مناسبت تظاهراتی در ۱۸ بهمن ۵۷ برگزار گردید. راهپیمایی‌های مردم در تأیید دولت منصوب امام مستلزم نفی دولت شاه یعنی برکناری شاپور بختیار بود، زیرا امام

خمینی در پیامی که برای مردم و ملت ایران فرستادند دولت بختیار را غیر قانونی معرفی کردند (عاقلی، ۱۳۷۴: ۲۱۹). شاپور بختیار به رغم خاستگاه ایلی نه تنها نتوانست هیچ جایگاهی در میان مردم استان چهارمحال و بختیاری به دست آورد بلکه به عنوان فردی خائن و وابسته که مانعی بر سر راه خواسته‌های مردم بود مورد استهزاء مردم قرار گرفت. (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸، ۱۷)

این پژوهش بر آن است که ضمن بررسی راه‌های نفوذ و انتقال جریان‌ها و امواج انقلابی به استان چهارمحال و بختیاری، به چگونگی پیدایش و روند وقوع انقلاب اسلامی در استان بپردازد. به عبارتی بر آن است نشان دهد که استان با پیشینه تاریخی و مذهبی برجسته‌ای که داراست، در فرایند انقلاب چه نقشی را ایفا کرده‌اند و کانون‌ها و شبکه‌های موثر انقلابی و ضدانقلابی در آن کدام بوده‌اند. در راستای پاسخگویی به سؤال اصلی، مسائل زیر مورد بررسی قرار خواهند گرفت:

۱. اماکن و کانون‌های نشر عقاید انقلابی در استان چهارمحال و بختیاری

۲. نقش شخصیت‌ها و گروه‌های انقلابی در استان

۳. بررسی فعالیت احزاب سیاسی مؤثر و نقش آن در استان

۴. فعالیت‌های ضد انقلاب در استان

بخش اول: مبانی نظری

ماهیت مذهبی و مردمی بودن انقلاب اسلامی ایران باعث شد که این انقلاب در فاصله سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ شمسی به مناطق مختلف کشور راه پیدا کند. در پژوهش حاضر به روش‌های مربوط به انتقال عقاید انقلابی در استان پرداخته و نحوه مشارکت مردم در انقلاب و فعالیت آنها نشان داده می‌شود. در این راستا از نظریه پخش «تورستن هاگراستراند» استفاده خواهیم کرد.

۱. نظریه پخش

نظریه «پخش یا اشاعه» توسط تورستن هاگراستراند^۱ ابتدا در سال ۱۹۵۳ میلادی مطرح و سپس اصول آن در سال ۱۹۶۸ میلادی در کتاب «انتشار فضایی فرآیند نوآوری» بسط داده شد (Hagerstrand, 1969). پخش اصولاً چگونگی گسترش یک پدیده را از کانون یا کانون‌های اصلی آن در بین مردم توضیح می‌دهد. پخش در جغرافیا به معنی انتشار، گسترش، پراکندگی، و به هم

4. Toresten Hagerstrand

آمیختگی است. هرچند خاستگاه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی است اما در موضوعات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز به کار گرفته می‌شود. فرآیند پخش ممکن است بلافاصله پس از ظهور پدیده صورت گیرد و یا در جریان قرن‌ها عملی گردد؛ در مجموع این نظریه، گسترش هر نوع نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین می‌کند. در حقیقت کاربرد این نظریه در باب مسائل و موضوعات مختلف ضمن بیان دلایل آن، توانست رویکردی برای جلوگیری و ممانعت از انتشار و گسترش رویدادها ارائه دهد (PALLONI, 2007). بنا بر این می‌توان گفت عوامل تاثیر گذار در هر کنش واکنشی تاثیر متقابل دارد، زیرا ممکن است بر اساس متغیرها در طول زمان دگرگونی‌هایی را به وجود آورد. (رضوانی، ۱۳۷۴: ۸۷)

انواع پخش

در دیدگاه‌ها گراستراند چند نوع پخش تفکیک شده است:

۱. پخش جابجایی

این پخش زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای ایده‌ای مخصوص، به طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند. بنابراین مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی با پخش جابجایی، اشاعه یافته‌اند.

۲. پخش سلسله مراتبی

در این نوع پخش، پدیده‌ها و نوآوری در قالب سلسله مراتب و از طریق توالی نظم دسته‌ها و طبقات، انتقال و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک "فرد مهم" به فرد دیگر و یا از یک مرکز شهری مهم به مرکز دیگر گسترش پیدا می‌کند. در این بخش محوریت روحانیت و جایگاه برجسته آنان در میان شیعیان و تاثیر پذیری شدید آنان از امام و نهضت اسلامی موجب شد که شاهد گسترش تفکرات انقلابی در اقصانقاط باشیم. زیرا آنان مرجعیت امام را پذیرفته و آشکارا از ایشان اعلام حمایت نمودند.

۳. پخش سرایتی یا واگیردار

این پخش در مقابل پخش سلسله مراتبی است. در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله مراتب صورت می‌گیرد (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۴ - ۴۳). مانند اشاعه بیماری‌های مسری. از آنجا که در این نوع، پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود، لذا این فرآیند به شدت تحت تأثیر "فاصله" قرار دارد. از این رو افراد و نواحی نزدیک نسبت به افراد و نواحی دور دست، احتمال تماس بیشتری دارند. پخش سلسله مراتبی و سرایتی از انواع پخش‌هایی هستند که دارای سرعت انتشار بالایی هستند و در آنها افکار، اندیشه‌ها و مفاهیم، از سرزمین میزبان به سرزمین میهمان و جدید

مهاجرت می‌کنند، اما بالاترین سرعت انتشار در پخش سلسله مراتبی است، زیرا با پذیرش نوآوری از سوی فرد مهم، پدیده به سرعت به کل قاعده منتقل می‌شود. (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۴ - ۴۳)

۲. مولفه‌های نظریه پخش

هاگرا ستراند، شش عامل را در این خصوص مورد تحلیل قرار داده است و می‌گوید: حوزه یا محیط جغرافیایی، می‌تواند محیط پذیرا، همگرا، محیط ناپذیرا و واگرا باشند. در این باره زمان نیز، عاملی است که می‌تواند به صورت مداوم یا به حالت دوره‌های متمایز از یک دیگر و متوالی در نظر گرفته شود. عامل سوم موضوع پخش می‌باشد که ممکن است امراض واگیردار، نوآوری‌های کشاورزی و تکنولوژیک، موضوعات فرهنگی و یا پدیده‌های فیزیکی - فرهنگی نظیر مبارزات انقلابی و چریکی دهقانان روسیه، انقلابیون کوبا و جنگجویان ویتنامی باشد. مبداء پخش نیز مکان‌هایی است که خاستگاه نوآوری‌ها و صدور پیام‌ها و ارزش‌ها هستند که مورد توجه نخبگان و سایر شخصیت‌های تاثیر گذار است. مقصد پخش نیز، مکان‌هایی است که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به آنها می‌رسد. عامل ششم مسیر حرکت پدیده‌ها و مجاری انتقال نوآوری از مبداء به مقصد، فاصله جغرافیایی و فاصله اجتماعی - اقتصادی مسئله‌ای مهم در ارتباط با پدیده‌ها می‌باشد (شکویی، ۱۳۷۸: ۳۰۳) که تبلور جریان و الگوی ارتباطات تاثیر گذار در مناطق مورد نظر است. (ابراهیم زاده، ۱۳۷۹: ۱۸)

۳. عوامل کاهش دهنده پخش

عواملی که موجب تقلیل در سرعت و روند گسترش پخش می‌گردند عبارتند از:

۱. مسافت

اگر سنگی را به درون استخری بیاندازیم و پخش امواج آن را نظاره کنیم، خواهیم دید که دایره با دور شدن از نقطه اثر، به تدریج ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند. به همین قیاس، میزان پذیرش نوآوری‌های فرهنگی نیز با افزایش مسافت کاهش می‌یابد.

۲. زمان

گذشت زمان نیز در این راستا عامل مهمی تلقی می‌شود. انتشار و پخش نوآوری در نقطه دورتر، مستلزم صرف زمان بیشتری است، چرا که تعداد پذیرندگان با افزایش مسافت کاهش می‌یابد؛ بنابراین میزان پذیرش نیز با افزایش زمان با کاهش مواجه می‌شود.

۳. موانع تراوش

علاوه بر ضعف و کاهش طبیعی ابداعات و نوآوری‌ها به دلیل افزایش زمان و مسافت، سدها و موانع

نیز موجب توقف یا کند شدن روند پخش نوآوری گردیده یا پیشرفت‌های بعدی را متوقف می‌سازند (برزگر، ۱۳۸۲: ۴۸ - ۴۷).

انقلاب اسلامی ایران با پیامدهای عظیم و گسترده‌ای که در سطح ملی و بین‌المللی داشت، با جاذبه فراگیر و گسترش چشمگیری در مناطق مختلف کشور نفوذ پیدا کرد. این پژوهش ضمن بررسی روند انقلاب اسلامی به چگونگی تطابق این نظریه با گسترش انقلاب در مناطق مختلف کشور و از آن جمله شهرکرد می‌پردازد.

بخش دوم: نقش مبارزاتی مردم استان چهارمحال و بختیاری در انقلاب اسلامی بر اساس

مبانی نظریه

۱. «کاربرد نظریه پخش»

یک) عقیده انقلابی

عقیده انقلابی همان ایده‌ی تشکیل حکومت اسلامی است که در دوران معاصر از اندیشه‌ی امام خمینی و از کتاب کشف‌الاسرار پی گرفته شد. امام در این کتاب خواهان شکل‌گیری حکومت اسلامی به رهبری روحانیت بوده و بیشتر به رعایت قوانین شرعی و نظارت مجتهدین بر قوانین مجلس مقننه تأکید داشتند. اصرار زیاد ایشان بر اجرای قوانین اسلامی را می‌توان پایه‌های تفکری دانست که وقتی مسلم شد شاه و اطرافیانش نمی‌خواهند قوانین اسلامی را اجرا کنند، روی کار آمد و آن تفکر تشکیل حکومت اسلامی و اجرای احکام شرع توسط متولیان شرع بود که با سخنرانی‌های پی در پی امام و حمایت مردم در سال ۱۳۴۲ شمسی به اوج خود رسید و نهضت عظیمی را تشکیل داد که در سال ۱۳۵۷ شمسی پیروزی رسید (نسیم باغ پرور، ۱۳۸۸: ۹۱). نهضتی که مردم این استان از آغازین روزهای حرکت امام خمینی در صحنه‌های گوناگون انقلاب اسلامی حضور داشته‌اند. (نیک زاد امیر حسینی، ۱۳۵۴: ۷۷)

دو) شیوه‌های انتقال عقاید انقلابی در استان

جریان انتقال این عقیده انقلابی و نوآوری سیاسی به استان به سه صورت پخش جابه‌جایی، پخش سرایتی و پخش سلسه‌مراتبی اتفاق افتاد؛ در ذیل به تفصیل آنها پرداخته می‌شود.

الف) انتقال به شیوه‌ی جابه‌جایی (فیزیکی)

از جمله مهم‌ترین راه‌های پخش این عقاید را می‌توان تبلیغات همفکران و مریدان امام، و پخش اعلامیه‌ها و حمایت نهاد مرجعیت و شبکه روحانیت دانست که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. از جمله مریدان امام که نقش مؤثری در انتقال عقاید انقلابی و گسترش آن در بین اقشار مختلف مردم

در شهرکرد داشتند، می‌توان به شخصیت‌هایی چون شیخ محمد علی صفرنورالله، آیت‌الله شمس آبادی، سید محمد متقی (آیت‌الله زاده‌ی بروجنی)، آیت‌الله حاج‌هاشمی، شهید رحمن استکی، سید جواد وانانی، شیخ احمد فقیهی، محمدعلی مولوی، شیخ محمد تقی بشارت، شیخ علی صفدری و شیخ حسن نوری اشاره نمود که از واعظان فعال در مجالس و مساجد بودند و طی جلسات که پیرامون مسائل سیاسی کشور تشکیل می‌دادند و با توجه به تصمیماتی که در این جلسات گرفته می‌شد، هریک به نوعی در سخنرانی‌هایی که داشتند به روشنگری مردم به ویژه جوانان می‌پرداختند (مردانی کرانی، ۱۳۷۵: ۶۷). در کنار این تلاش‌ها رفت و آمد بزرگانی چون شیخ حسین نوری، شیخ علی اکبر مسعودی و دیگران از قم، اصفهان و سایر شهرها در ایام مختلف به این شهر و ایراد وعظ و خطابه در مساجد و حسینیه‌ها نیز در اشاعه‌ی عقاید انقلابی و آگاهی بخشی به اقشار مختلف مردم نسبت به اوضاع و احوال سیاسی کشور، نقش مؤثری داشت. همچنین تبعید نیروهای انقلابی به شهرهای مختلف کشور که با تبعید این افراد به شهرها و محل‌های دور افتاده و دور از فعالیت سیاسی، همراه بود، علی‌رغم خواست رژیم موجب نشر عقاید انقلابی در نقاط مختلف کشور شد و آنها را به تحرک انقلابی واداشت. به عنوان مثال تبعید شیخ مجدالدین محلاتی توسط رژیم شاه از شیراز به شهرکرد (از سیزدهم فروردین ۱۳۵۲ شمسی تا دوم تیر ۱۳۵۲ شمسی) که باقی مانده‌ی سه سال تبعید وی به ایران‌شهر بوده است، و به دنبال آن مراجعت و ملاقات افرادی چون عبدالکریم قاسم نژاد و حسن بنا از شیراز، جعفر خوانساری از تهران و سید احمد موسوی از قم برای ملاقات با ایشان، زمینه‌های نفوذ و نشر هرچه بیشتر افکار انقلابی را به این منطقه فراهم نمود (آهنجیده، ۱۳۸۴: ۲۲).

تکثیر نوار سخنرانی‌های امام، دایر کردن کتابخانه، پخش اعلامیه و عرضه آن به جوانان نیز از اقدامات دیگری بود که در این راستا نقش به‌سزایی ایفا کرد. ارتباط با شخصیت‌های بزرگی چون آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله منتظری، سید محمد مدنی و علی اصغر آل اسحق از طریق روحانیون شهرکرد، و اطلاع از تبعید و غربت این مروجان عقاید امام خمینی که نشان از ترس رژیم شاه از فعالیت‌های این افراد بود، نقش تأثیر گذاری در ایجاد روحیه انقلابی در مردم داشت. در واقع این نوع انتقال و ترویج اندیشه‌های امام توسط اشخاص و فعالان انقلابی یکی از مهم‌ترین راه‌های انتقال و پخش عقاید انقلابی به استان به ویژه شهرکرد به عنوان مرکز استان چهارمحال و بختیاری و مرکز ثقل فعالیت‌های انقلابی بود. در این راستا معرفی شخصیت‌های اثرگذار انقلابی در استان به عنوان مهم‌ترین عامل در پخش به شیوه‌ی فیزیکی ضروری است.

با شروع حرکت‌ها و قیام‌های مردمی ملت ایران علیه رژیم شاهنشاهی طی سال‌های منتهی به

پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه سال ۵۷ و گسترش دامنه مبارزات مردمی در اقصی نقاط کشور، مردم مومن و انقلابی استان چهارمحال و بختیاری نیز همگام با سایر مردم کشور با برپایی تظاهرات و راهپیمایی در شهرها و مناطق مختلف این استان خواستار براندازی رژیم پهلوی، و برچیده شدن بساط شاهنشاهی و استقرار نظام جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی شدند. حضور پرشور اقشار مختلف مردم به ویژه جوانان و دانش آموزان در راهپیمایی‌ها، اعتصاب فرهنگیان، پخش اعلامیه‌های حضرت امام، حمله دانش آموزان به استانداری، تسخیر ساختمان ساواک و پایین کشیدن مجسمه شاه در شهر شهرکرد و بروجن و درگیری‌های پراکنده بازاریان، روحانیون و سایر اقشار مردم با طرفداران و چماقداران شاه از جمله نکات بارز حرکت‌های مردمی این استان علیه رژیم پهلوی در سال ۵۷ بود. در ادامه به نقش اقشار مردم استان و گوشه‌ای از مبارزات مردمی اشاره خواهد شد.

۱. روحانیون

در انقلاب اسلامی به رهبری مراجع دینی شاهد یک سری تاثیر پذیری واکنشی از سوی مردم در همراهی می‌باشیم. این تاثیرات به حدی قوی بود که کسانی هم که نسبت به تحولات رغبت چندانی نداشتند یا بی تفاوت بودن را نیز تحت تاثیر قرار داد. این قدرت ناشی از باورهای اعتقادی مردم و جهت‌دهی درست رهبری مبارزات بود که به تدریج به پیروزی منتهی شد که روحانیون استان چهارمحال و بختیاری نیز به سهم خود در آن ایفای نقش نمودند. در استان چهارمحال و بختیاری نیز نخستین شبکه روحانیت بود که به طور وسیع در تمام شهرها حضور داشته و با ارتباط با حوزه‌ی علمیه قم در جریان فعالیت‌های انقلابی قرار گرفته و آنها را به شهر خود انتقال می‌دادند. از جمله‌ی این روحانیون می‌توان به آیت‌الله سید ابوالحسن آل رسول معروف به شمس آبادی اشاره کرد. ایشان در سال ۱۲۸۶ شمسی در اصفهان متولد شدند و پس از فراگیری مقدمات علوم اسلامی در اصفهان، نزد اساتیدی مانند ابوالقاسم زفره‌ای، سید علی نجف آبادی و احمد حسین آبادی، عازم حوزه نجف اشرف گردید و از محضر درس مراجع بزرگی چون مرحوم آیت‌الله العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی، آقا ضیاءالدین عراقی، آقا جمال الدین گلپایگانی، سید عبدالهادی شیرازی و سید محسن حکیم استفاده نمود و پس از ۱۲ سال برای تدریس و ارشاد به اصفهان بازگشت و با ارتباط و آمد و شد با روحانیون شهرکرد، با نشر آراء و اندیشه‌های انقلاب و امام، بر روحیه‌ی انقلابی مردم استان هرچه بیشتر افزود. در این راستا کانون‌های انقلابی مهم‌ترین نقش را در این نوع انتقال عقاید به عهده داشتند. نگاهی به مهم‌ترین کانون‌های انقلابی موجود در استان با توجه به نقش کلیدی آنها در انتقال عقاید انقلابی به شیوه‌ی سلسله مراتبی در استان ضروری می‌نماید.

از مهم‌ترین اقدامات روحانیون در استان، هدایت و ارشاد مؤمنین در اجرای احکام دین، روشنگری و بیان مسائل روز بود. مردم استان به ویژه مردم شهرستان شهرکرد نیز برای شناخت مراجع اعلم از روحانیون کسب تکلیف می‌کردند. مهم‌ترین مراجع تقلیدی که در استان چهارمحال و بختیاری مقلدین زیادی داشتند عبارت بودند از: حضرت آیت‌الله العظمی سید محمد حسین طباطبایی بروجردی (متوفی ۱۳۴۰ هـ. ش) حضرت آیت‌الله سید ابولقاسم خویی، (متوفی ۱۳۷۱ هـ. ش) و حضرت امام خمینی (متوفی ۱۳۶۸ هـ. ش) به استناد اسناد ساواک از نخستین فعالیت‌های روحانیون در شهرستان شهرکرد، با حضور آقای شیخ غلامعلی خلدی فراز در شهر سامان بوده است. وی در ماه مبارک رمضان ۱۳۴۵ هـ. ش. برای تبلیغ علوم دینی از اصفهان به شهر سامان آمد. او در مسجد سامان ضمن انتقاد از حکومت شاه، از امام خمینی حمایت نموده و برای ایشان دعای خیر می‌کرد. (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۷ - ۱۵) بعد از آن بود که روحانیون از اصفهان، قم و نجف آباد در این شهرستان اقدام به انتقاد از حکومت شاه و طرفداری از نهضت امام خمینی می‌کردند. عمده این تلاش‌ها بر عهده حاج شیخ محمد علی نوراللهی نجف آبادی بود که با حضور وی حوزه علمیه امامیه شهرکرد وارد مرحله جدیدی از تبلیغ علوم دینی و فعالیت‌های انقلابی گردید. (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۷ - ۱۵)

بر اساس همان سند آن روحانیون در حوزه علمیه امامیه شهرکرد بیتوته می‌کردند. مردم که دارای خلوص باطن و ضمیری پاک بودند به طور مرتب وجوهات خود را به نمایندگان مراجع می‌دادند، با این که مستقیماً خدمت علما می‌رسیدند و وجوهات خود را به علماء و یا به آن نمایندگان ارائه می‌دادند. روحانیون علاوه بر هدایت و ارشاد مردم و اشاعه ارزش‌های الهی در بیداری مردم و آگاهی بخشیدن به آنها از اوضاع سیاسی کشور نیز نقش موثری داشتند. زمانی که از طرف مسئولین جلسات دعا برای سلامتی شاه برگزار می‌شد، آنان از دعا کردن به جان شاه معمولاً طفره می‌رفتند. (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۵).

در یک دیدگاه کلی می‌توان روحانیون استان را به دو دسته بومی^۱ و مدعو تقسیم کرد که نقش و تأثیر هر یک در مبارزات انقلابی بسیار مؤثر بوده است که در ادامه گو شه‌ای از مبارزات ایشان بیان خواهد شد.

۱. از روحانیون بومی برجسته و انقلابی استان چهارمحال و بختیاری می‌توان: حاج شیخ محمد علی صفر نورالله مشهور به نوراللهی، حاج شیخ عطاءالله احمدی شیخ شبانی، شهید حسینعلی داوودی بنی، شیخ علی عبداللهی، شیخ شبانعلی یوسفی، حاج آقا مصطفی السید، حجت‌الاسلام محمود رستگاری، حجت‌الاسلام اکبر جوادی

به جز روحانیونی که در استان مشغول فعالیت انقلابی بودند، عده‌ای از روحانیون نیز از شهرهای دیگر به خصوص قم و اصفهان به رفت و آمد در استان میادرت ورزیده و با افشاگری و سخنرانی‌های بیدارگرانه خود و هم‌چنین آگاهی دادن به مردم در زمینه روند انقلاب و پیام‌های حضرت امام، نقش مؤثری را در شکل‌گیری حرکت‌های انقلابی مردم و سازماندهی آنها ایفا می‌کردند.

روحانیون مدعور استان که تبلیغ می‌کردند غالباً از قم و اصفهان به استان چهارمحال و بختیاری می‌آمدند. تعدادی از آنها با کانون جوانان اسلامی ارتباط داشت؛ که در ایام محرم و صفر و ماه رمضان جلسات هفتگی و ماهانه را برگزار می‌کردند. جلسات مذهبی که به هر بهانه‌ای در این ایام برگزار می‌شد زمینه رو شنگیری برای بعضی از مسائل انقلابی را در برداشت (بیکار، ۲۷ / ۱۰ / ۱۳۹۴). در این زمینه می‌توان علمای زیادی را نام برد^۱ که آمد و رفت‌های آن‌ها در استان در تحکیم تشکله‌ها و حرکت‌های انقلابی نقش به‌سزایی داشت. هم‌چنین تبعید نیروهای انقلابی به شهرهای مختلف کشور که با تبعید این افراد به شهرها و محل‌های دور افتاده و دور از فعالیت سیاسی، همراه بود، برغم خواست رژیم موجب نشر عقاید انقلابی در نقاط مختلف کشور شد و آنها را به تحرک انقلابی واداشت.

آقای سعادت از دیگر فعالان انقلابی استان در این زمینه می‌گوید: روحانیونی که از نقاط مختلف می‌آمدند غالباً در مراسمات مذهبی و مجالس روضه شرکت می‌کردند. یادم هست آقای حاج شیخ حسین کرمانی از طرف آیت‌الله گلپایگانی حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر از روحانیون را به استان فرستاد و ما این روحانیون را در مناطق مختلف شهرها و روستاها به طور پراکنده اسکان می‌دادیم تا پیام انقلاب در همه جا پراکنده شود. (سعادت، ۱۶ / ۸ / ۹۴)

۲. نقش فرهنگیان و دانش‌آموزان

تا زمانی که فرهنگیان و دانش‌آموزان به صورت جدی وارد عرصه مبارزه نشده بودند، اوضاع تقریباً در کنترل مسئولین امور حکومتی بود. نخستین معلمی که در استان در اردیبهشت ۱۳۵۲ در جمع دانش‌آموزان و معلمان آشکارا علیه حکومت شاه سخنرانی کرد، شهید رحمن استکی بود. با ورود گسترده فرهنگیان و دانش‌آموزان به تظاهرات و اقدام به اعتصاب‌های گسترده، کنترل و مدیریت امور کم‌کم از دست مسئولین حکومتی در استان خارج گردید. بنابراین مسئولین استان، روز

۱. حجج اسلام شیخ محمدعلی منتظری از اصفهان، سید محمد ترابی از قم، شیخ حسین نوری همدانی، علی اکبر واعظ مسعودی، آقای محمدرضا صافی گلپایگانی، سید اصغر ناظم زاده و شیخ محمد انصاری، شیخ مجدالدین محلاتی.

به روز شاهد حضور گسترده مردم در تظاهرات بودند.

آقای استکی عصر ۴ / ۲ / ۱۳۵۲ در جمع معلمان و دانش آموزان دبیرستان فرخسهر در سخنانی گفت: «چرا ما از غربی‌ها تقلید می‌کنیم؟ چرا دست آمریکایی‌ها بر سر ماست و آنها بر ما آقایی می‌کنند؟ چرا مشایخ ما نمی‌توانند حرفشان را بزنند؟ چرا به دستورات دین عمل نمی‌کنند؟ چرا غریزدگی را تجدد می‌نامند؟ و ...» با این سخنرانی وی مورد تشویق حاضرین قرار گرفت. بر همین اساس او بارها از سوی ساواک مورد پیگرد قرار گرفت، اما هم چنان به فعالیت‌های مبارزاتی خود تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داد. (شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۹۴: ۵۲)

از دیگر معلمین انقلابی که نقش مؤثری در مبارزات داشت، آقای علی اکبر پرورش بود. آقای پرورش گاهی با ماشین‌های عبوری از اصفهان به شهرکرد می‌آمد. گاهی نیز شهید رحمن استکی باماشین ژیان خود آقای پرورش را به شهرکرد برای سخنرانی می‌آوردند (رضوی، ۲۱ / ۲ / ۱۳۸۸). از دیگر اقدامات فرهنگیان در مبارزه با رژیم شاه، اعتصاب در مناسبت‌های مختلف و به دلایل متعدد می‌باشد. از آن جمله می‌توان به اعتصاب فرهنگیان روز شنبه مورخ ۱۵ / ۷ / ۱۳۵۷ هـ. ش. اشاره کرد. این مساله آغاز گر اعتصابات بعدی و حضور آشکار تر در صحنه بود. روز یکشنبه تاریخ ۱۶ / ۷ / ۱۳۵۷ هـ. ش. که مصادف با روز معلم بود، فرهنگیان شهرکرد به دنبال اعتصاب خود در ساعت ۱۶ / ۰۰ در کانون سالن پیشاهنگی (کانون شهید بهشتی کنونی) واقع در خیابان مولوی شهرکرد اجتماع نمودند. در این اجتماع آقای احمد برادر استاندار و آقای محمد علی مهرداد مدیر کل آموزش و پرورش استان شرکت نمودند.

در ادامه این مبارزات انقلابی در شهرکرد نیز به منظور تبادل نظر، هم‌اندیشی و ایجاد انسجام و هماهنگی بیشتر، فرهنگیان بنا به دعوت قبلی در ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۴ / ۷ / ۱۳۵۶ هـ. ش. در حدود سیصد نفر از معلمین جلو سالن پیش آهنگی شهرکرد (کانون فرهنگی تربیتی شهید بهشتی فعلی) اجتماع نمودند. چون آقای محمد علی مهرداد مدیر کل آموزش و پرورش به دستور آقای احمد برادر استاندار در سالن را قفل نموده بود، معلمین ضمن اعتراض با تظاهرات آرام به آموزش و پرورش رفته و در آن را شکسته و وارد محوطه شدند. در آنجا آقای محمد دانش اقدام به شعار دادن نموده هم چنین تعدادی اعلامیه نیز در آن جا پخش گردید (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۴۹).

از دیگر فرهنگستانی که نقش مؤثری در مبارزات انقلابی داشت، مرحوم مصطفی پولادی بود. وی

در دبیرستان رستاخیز (نجمه فعلی) شهرسامان به تدریس مشغول بود. ویژگی‌های اخلاقی و مبارزاتی مرحوم پولادی با شهید امامقلی جعفرزاده آنها را به هم نزدیک نمود و با یکدیگر ارتباط خانوادگی پیدا کردند. وقتی که ساواک متوجه فعالیت‌های انقلابی مرحوم پولادی شد، به منظور محدود کردن و تحت نظر قرار دادن ایشان، وی را به شهرکرد منتقل نموده و او را مجبور کردند که از مقطع متوسطه وارد مدرسه راهنمایی منصور کوهی شود تا نتواند با جوانان ارتباط برقرار کند. اما آقای پولادی در آن جا نیز فعالیت‌های مبارزاتی خود را ادامه می‌دهد. آقای ابوالقاسم بزرگی از دیگر مبارزان انقلابی می‌گوید: «ما در اصفهان فعالیت‌های مبارزاتی خوبی داشتیم. زمانی که مرحوم پولادی به شهر سامان و پس از آن به شهرکرد آمد ما هم چنان ارتباطمان را حفظ کرده بودیم و از طریق آقای پولادی اطلاعاتی را به شهرکرد می‌فرستادیم. (بزرگی، ۱۳۹۰ / ۸ / ۹)

غالباً این معلمان بودند که مدارس را به حرکت در می‌آوردند. حرکت‌های انقلابی که به وسیله دانش آموزان انجام می‌شد معمولاً از طرف معلمان انقلابی که اخبار را به دانش آموزان انتقال می‌دادند سازماندهی می‌شد. معلمان چهارمحال و بختیاری با وجود فشار سازمان‌ها، ادارات امنیتی و انتظامی، تکاپوهای فکری، تبلیغاتی، سیاسی و سببی برای بیداری مردم به ویژه دانش آموزان مدارس و دبیرستان‌های این استان انجام دادند؛ به طوری که سیل عظیم این جمعیت پس از مدت کوتاهی رهسپار خیابان‌های شهر شد و خواسته‌های خود را در تجمعات اعلام می‌کردند. از نیمه دوم شهریور ۱۳۵۷ به بعد، آموزش و پرورش چهارمحال و بختیاری، کارمندان آموزش و پرورش، معلمان و دانش آموزان از عناصر عمده تشکیل دهنده و از جمله هسته‌های مهم ناآرامی‌ها و تظاهرات در این استان و شهرهای تابعه بودند. (سعادت، ۱۳۹۴ / ۸ / ۱۸).

آقای سعادت با اشاره به نقش فرهنگیان و دانش آموزان در انقلاب اسلامی می‌گوید «از دانش آموزان انقلابی فعال افرادی مثل حجت فاضلیان و حبیب نیکخو و از معلمان انقلابی استان آقایان سید تقی جعفریان، شهید رحمن استکی، محمد دانش، رحمن رضوی و آقای اسدالله سیاح را می‌توان نام برد. (سعادت، ۱۳۹۴ / ۸ / ۱۸).

۳. نقش بازاریان

بازاریان نیز از گروه‌های مبارز دیگری بودند که در کنار سایر انقلابیون روحانیت را همراهی می‌کردند. بازاریان را در جریان مبارزه با حکومت پهلوی می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اکثریت که به صورت کاملاً فعال در مسیر مبارزه با حکومت پهلوی در کنار سایر مبارزان قرار داشتند که از جمله آنها می‌توان به مرحوم سید ناصر حجازی، ابراهیم منصوری، خلیل اسحاقی، آقایان حسینعلی بنایی،

علی اصغر برجیان، علیداد عبدالهیان و... اشاره کرد. گروه دیگر که تعدادشان اندک بود، در این جریان یا همراه رژیم بودند یا سکوت می کردند. می توان گفت اکثر فعالیت های انقلابی با همکاری همین بازاریان صورت می گرفت. موسسان کانون جوانان اسلامی بروجن نیز از جمله بازاریان بودند. (نیلیه، ۲۷ / ۷ / ۱۳۹۱).

حاج علیمراد عبدالهیان از بازاریان سرشناس و با نفوذ شهر کرد بود که در تعطیلی بازار نقش مؤثری داشت. وی می گوید:

«عمده فروشان و افراد با نفوذ بازاری که اقدام به تعطیلی کسب و کار می کردند، بازاریان جزء هم نگاهشان به آنها بود و از آنها تبعیت می کردند و به دنبال آن بلافاصله بازار را تعطیل می کردند.» (عبدالهیان، ۱۸ / ۵ / ۱۳۸۹).

آقای سید تقی جعفریان می گوید:

«تلاش و کوشش و برنامه های مذهبی و اعتقادی، هیئت های مذهبی شور و شوق مردم را در استمرار مبارزات انقلابی چند برابر می کرد.» (جعفریان، ۲۴ / ۵ / ۸۹).

آقای عبدالهیان می گوید:

«در پائیز و زمستان سال ۱۳۵۷ ه. ش. محل سکونت طلبه های حوزه علمیه ی شهر کرد به شدت تحت نظر ساواک بود و آنان در شرایط سختی به سر می بردند، بر همین اساس تصمیم گرفتیم به محاصره شدگان کمک نماییم. بنابراین امکانات و لوازم مورد نیاز آنها را به ویژه از نظر تغذیه و وسایل گرمایز تهیه و در اختیار طلاب قرار دادیم.» (عبدالهیان، ۱۸ / ۵ / ۸۹).

وحدت بی نظیر مردم در سایه رهبری حضرت امام خمینی در طول تاریخ ایران بی نظیر بود. حکومت شاه برای ایجاد اختلاف بین مردم و روحانیون و به منظور تفرقه بین علماء تلاش نمود بین مراجع تقلید نفوذ کرده و آنان را با امام بدبین کنند، اما هرگز موفق نشدند. (شهبازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۷۶).

به طور کلی بسیاری از بازاریان شهر کرد از خاندان های اصیلی بودند که سال ها در این شهر سکونت داشته اند. بازار یک نوع مرکزیت فرهنگی نیز در این شهر داشت و افراد زیادی متأثر از حرکت های بازاریان بودند. بازاریان تحت رهبری روحانیون انقلابی شهر و بیشتر با پخش اعلامیه

میان سایر کاسبان و مردم به گسترش عقاید انقلابی در شهرکرد کمک نمودند. هم چنین باتوجه به ارتباط گسترده آنها با روحانیون، نقش مهمتری از جهت حمایت‌های مالی در تهیه و انتشار اعلامیه، کمک به خانواده‌های زندانیان انقلابی و ... داشتند. از جمله همگامی بازاری‌های استان با حرکت‌های انقلابی مردم می‌توان به تظاهرات مردمی در ۲۶ دی ۱۳۵۷ اشاره کرد که به همراهی روحانیون در سامان از توابع شهرستان شهرکرد برگزار شده بود. به دنبال این حادثه که با حمله چماقداران مواجه شد، گروه کثیری از مردم سامان و شهرکرد به رهبری آیات عظام در محل درگیری شهرکرد متحصن شدند. پس از آن در شهرکرد ۱۲ فروشگاه تحت عنوان تعاون و مصرف اسلامی با عرضه مایحتاج عمومی به قیمت نازل، نرخ‌های سرسام‌آور را شکستند و کمیته‌های امداد برای برآوردن نیازهای اولیه مردم تشکیل شد (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۴۵۵).

۴. نقش کارگران، کشاورزان و روستائیان

غالب مبارزین جناح مذهبی نیز از قشر کارگر و کشاورز بودند. کشاورزان در روستاها ستم‌خواران را تجربه کرده و با قلدری و زورگویی آنها مواجه بودند و این حرکت که ندای آزادی و عدالت را به همراه داشت، به جان خریدار بودند. مشارکت آنان در حرکت مردم مسلمان به خصوص در ایام اعتصاب، به شکل ارسال کمک‌هایی چون نان، آرد، هیزم و سایر امکانات به شهرها و مناطق مختلف متجلی بود. (پایدار، ۱۳۸۴: ۵۲۹)

طبق اسناد موجود شهر جوتقان بعد از فارسان در آن محدوده جغرافیایی نیز مردم در فعالیت‌های مبارزاتی علیه حکومت شاه نقش داشتند. در این زمینه تعدادی از کشاورزان و کسبه شهر جوتقان تبلیغات دامنه‌داری را علیه حکومت انجام می‌دادند. آنها ضمن بحث در این باره از دیگران نیز دعوت به همکاری می‌کردند. شرکت سهامی زراعی در جوتقان نیز بارها با مخالفت مردم به ویژه کشاورزان قرارگرفت و خواهان انحلال آن و پس گرفتن زمین‌های سهامداران بودند. (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۲۳)

به دنبال گسترش فعالیت‌های انقلابی در شهرستان‌های استان، مبارزان انقلابی تلاش نمودند تا مردم دورترین نقاط شهرستان‌ها را نیز علیه حکومت شاه بسیج نمایند به همین منظور سیل اطلاعاتی به منطقه «کوه‌رنگ» نیز روانه گردید. در آن اطلاعاتی‌ها از ایلات و عشایر آن منطقه درخواست شده بود که در روز ۱۵ خرداد ۱۳۵۷ هـ. ش به همراه سایر مردم روستاهای آن دیار به شهرکرد وارد شوند. سپس با عده‌ای که در شهرکرد به آنها می‌پیوندند به سمت اصفهان حرکت نمایند. در آن اطلاعاتی‌ها جزئیات تظاهرات و رویدادهای که در شهرهای مختلف کشور برپا شده بود از طریق اداره

پست نیز بین مردم توزیع شده بود و از آنها برای شرکت در تظاهرات دعوت به همکاری و همراهی نموده بودند. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸: ۳۸) این اعتصابات و ناآرامی‌ها از استان‌های بزرگ کشور شروع شد و به استان‌ها و شهرهای کوچکتر سرایت کرد. (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۶۳۹)

بعضاً نظارت شدید نیروهای امنیتی و محدودیت جغرافیایی این استان نیز باعث می‌شد که مبارزین انقلابی از شهرکرد و یا سایر شهرهای استان به اصفهان، قم یا تهران رفته و در تظاهرات شرکت می‌کردند و نتایج را به صورت شفاهی و یا از طریق اعلامیه به اطلاع مردم می‌رساندند. (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۵۰)

به این ترتیب انقلاب اسلامی با مشارکت اقشار مختلف مردم با شعار و آرمان‌های انقلابی و اسلامی به پیروزی رسید. پیروزی انقلاب مرهون تلاش‌های مردمی بود که از روند تجددگرایی رژیم ناراضی بودند و آن را در جهت تضعیف باورهای دینی خود می‌یافتند. از آن جا که گسترش و عمق باورهای دینی در تمامی طبقات اجتماعی وجود داشت، تضعیف آن، تمامی طبقات را برآشفته. بنابراین به خوبی دیده می‌شود که روحانیون، فرهنگیان (اعم از معلمان، دانش‌آموزان و دانشجویان)، بازاریان، کشاورزان، کارگران، روستاییان و عشایر دوش به دوش هم در انقلاب شرکت می‌کردند بدون آن که اختلاف خاصی بین این طبقات بیفتد. همه آنان از یک چیز ناراضی بودند و آن تجددگرایی افراطی و دین‌ستیزی رژیم شاه بود و همه آنان یک چیز می‌خواستند و آن برقراری حکومت الهی و اجرای احکام اسلام و برقراری عدالت اجتماعی بود. (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸: ۴۱۸)

ب) انتقال به شیوه‌ی سرایتی

از جمله‌ی راه‌های انتقال عقاید انقلابی به شیوه سرایتی انتشار اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام ره بوده است. این سخنرانی‌ها و اعلامیه‌ها همانطور که از اسناد ساواک نیز پیداست، به وسیله‌ی نمایندگان معتمد امام خمینی به استان انتقال یافته و سپس به دست سایر انقلابیون توزیع و منتشر می‌شد. در سند مورخ ۱۳۵۴ / ۴ / ۷ ساواک، نمایندگان امام خمینی ره در شهرستان بروجن را آقایان حسینقلی بنایی، آیت‌الله بنائی (بنائیان)، حاج آقا علی نیلیه و حاج محمد عباسیان معرفی کرده‌اند. با پخش اعلامیه‌ها در بین انقلابیون آنها در جریان کم و کیف مواضع امام قرار می‌گرفتند. این مورد را می‌توان از موارد انتقال سرایتی برشمرد که نقش مهمی در انتقال عقاید و اندیشه‌های انقلابی به شهرهای مختلف ایفا کرده است. در این مورد برای ذکر نمونه‌هایی از پخش اعلامیه‌های انقلابی و

انجام تبلیغات توسط انقلابیون می‌توان به پخش اعلامیه توسط افراد ناشناس، کشف اعلامیه‌هایی از امام خمینی به مناسبت هفتمین روز فاجعه‌ی خونین تهران در ۹ شوال ۹۸ قمری در خیابان‌های شهرکرد، تبلیغات انقلابی در بخشهای حوالی شهرکرد، اسنادی در رابطه با برگزاری مراسم عزاداری در شهر سامان، ارسال اعلامیه‌هایی به مناطق عشایر نشین استان، در زمینه‌ی پخش اعلامیه و نوار در شهرستان فارس (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۲۰ - ۱۲۷ - ۵۵ - ۸۹) و ... اشاره کرد که به دلیل از یاد مطالب به همین مختصر اکتفا می‌شود.

ج) انتقال به شیوه‌ی سلسله مراتبی

از دیگر شیوه‌های انتقال و پخش نو آوری‌های سیاسی در استان، شیوه پخش سلسله مراتبی می‌باشد. فرض این نوع انتقال آن است که مردم تابع نخبگان هستند و تا نخبگان آنان را هدایت نکنند حرکتی انجام نمی‌دهند. در انقلاب اسلامی نخبگان متشکل از رهبران چند شبکه بودند. یکی از این شبکه‌ها بازار بود که پیام انقلاب را دریافت می‌کرد و بنا به طبع بازار که مستلزم ارتباط با شهرهای مختلف است، به راحتی می‌توانست آن را به شهرهای دیگر انتقال دهد. ارتباط بازاریان شهرکرد با بازار جامع اسلامی تهران مسیری بود برای انتقال عقاید انقلابی و اطلاع از کم و کیف رویدادها و فعالیت‌های انقلاب و آغاز حرکت‌های مردمی. شبکه‌ی دیگر دانشگاه بود که تأثیرات فضای آن بر تفکرات دانشجویان به عنوان مکان تبادل افکار و اندیشه‌ها و محیطی که افراد گوناگون از شهرهای مختلف برای تحصیل در آنجا حضور می‌یافتند، دارای رسالت بزرگ بوده است. از آنجایی که در آن زمان دانشگاه‌ها اکثراً در شهرهای بزرگ تأسیس شده بود، جوانان شهرستانی برای ادامه‌ی تحصیل در این دانشگاه‌ها حضور می‌یافتند و با شنیدن افکار شخصیت‌هایی چون دکتر علی شریعتی که فضای دانشگاه را تحت تأثیر قرار داده بود، روحیه‌ی انقلابی و مبارزاتی پیدا کرده و در دانشگاه با دیدن فعالیت سیاسی سایر جوانان وارد فعالیت سیاسی شده و عقاید انقلابی را به شهرهای مختلف کشور می‌رساندند.

در استان چهارمحال و بختیاری مانند سایر نقاط کشور، انقلابیون مکان‌هایی را به عنوان مرکز نشر عقاید انقلابی و محلی برای تشکیل جلسات خود قرار داده بودند. انتخاب این مکان‌ها وابسته به ماهیت انقلاب اسلامی و شبکه‌های نشر عقاید انقلابی بود و از آنجا که این انقلاب متأثر از آموزه‌های مکتب تشیع و شبکه‌های نشر عقاید انقلابی روحانیت، بازار و دانشگاه‌ها را شامل می‌شد. اماکن و کانون‌های تجمع فعالان انقلابی نیز مرتبط با این شبکه‌ها بودند. از جمله مساجد، حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، هیئت‌های مذهبی و مدارس را می‌توان نام برد که در ذیل ضمن بررسی نقش

مسجد به عنوان مهم‌ترین مرکز نشر عقاید انقلابی در استان، به معرفی سایر اماکن و کانون‌های انقلابی و ائتلافات انقلابی مربوط در استان چهارمحال و بختیاری اشاره می‌شود. از میان کانون‌های مبارزاتی که در استان وجود داشت، برخی مراکز به عنوان کانون‌های مرکزی نشر عقاید و اخبار انقلابی بودند و انقلابیون برای پیشبرد امور انقلابی خود بیشترین استفاده را از آنها می‌کردند.

۱. کانون‌های مبارزه

بررسی روند انقلاب اسلامی در استان چهارمحال و بختیاری ما را به این نکته رهنمون می‌کند که در شهرکرد مرکز استان کانون‌های مبارزاتی به صورت عمده و حول محور چهره‌های شاخص مبارز استان از جمله حاج آقا صفر نورالله و شهید رحمن استکی فعالیت‌های خود را ادامه می‌دادند. این کانون‌های مبارزاتی هر چند که در تأسیس خود با تقدم و تأخر نسبت به یکدیگر مواجه هستند و یا با چراغ خاموش و به صورت مخفی به کار خود ادامه می‌دادند و یا این که سبغه فرهنگی آنها بیش از وجه سیاسی آنها بوده است، اما در عین حال نتیجه کار آنها چیزی جز آگاهی بخشی نسبت به مسائل اسلامی در بین جوانان و سایر اقشار جامعه نبوده است که در ذیل به مهم‌ترین این کانون‌ها اشاره می‌شود.

۱-۱. نهادهای مذهبی

مطالعه تاریخ معاصر کشور ما نشان می‌دهد که مساجد به عنوان مرکز و پایگاه دینی و فرهنگی، نقش مهمی در ایجاد حرکت‌های اجتماعی و سیاسی و جهت‌دهی به حرکت‌ها و جریان‌های مردمی داشته است. انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک جنبش اجتماعی، با استفاده از شبکه‌های مردمی که غالباً در قالب‌های مذهبی شکل گرفته بودند، فراگیر شد. شبکه مساجد و جلسات مذهبی همانند حلقه واسط میان رهبران انقلاب و مردم انقلابی بودند که وظیفه بسیج مردم را در جهت مخالفت سیاست‌های حاکم بر عهده داشتند (شریف پور، ۱۳۷۸: ۸۳). مساجد حلقه ارتباط مردم با روحانیون بود که این ارتباط را به خوبی مستحکم می‌کرد و بهترین مکانی بودند که روحانیون می‌توانستند از طریق ارتباط چهره به چهره با مخاطبین ارتباط برقرار کنند. از میان مساجدی که در انقلاب به عنوان کانون تجمع و مأمین مبارزین انقلابی در استان فعال بودند، مسجد خان شهرکرد، مسجد اتابکان شهرکرد، مسجد جامع شهرک، تکیه (حسینیه) شترخان، مسجد صاحب‌الزمان علیه السلام شهرکرد، حسینیه اعظم شهرکرد از نمونه‌های مساجد مهم در این زمینه بودند.

۱-۲. هیئت‌های مذهبی

روحانیت علاوه بر استفاده از مراسم عزاداری و ایام خاص، از مراسم مذهبی دیگری نظیر جلسات

هیئت‌های مذهبی و برنامه‌هایی که برگزار می‌کردند نیز حداکثر بهره‌برداری را می‌نمودند. معمولاً عموم مردم در برنامه‌های برگزار شده توسط هیئت‌ها شرکت می‌کردند و منشاء بسیاری از حرکت‌های مبارزین انقلابی همین جلسات و سخنرانی‌های روحانیون بود. این گونه جاذبه‌ها در واقع تحت تأثیر روحانیون برجسته‌ای صورت می‌گرفت که جوانان به آنها اعتقاد و اعتماد داشتند. از میان هیئت‌هایی که در استان فعالیت می‌کردند، گروه‌های سیاسی و هیئت‌های زیر بی‌شترین نقش را در فعالیت‌های انقلابی داشته‌اند:

کانون جوانان اسلامی بروجن، انجمن مبارزه با بهائیت، انجمن مددکاران امام زمان علیه السلام در بروجن و شهرکرد و هیئت ابوالفضل علیه السلام، انجمن قرآن و هیئت محمدیه در شهرهای مختلف استان نیز از کانون‌های مهم انقلابی استان می‌باشند که در این مجمل به ذکر نام آنها اکتفا می‌شود.

۳-۱. نهاد های آموزشی

سه مرکز عمده که در زمینه‌ی نهادهای آموزشی در روند انقلاب اسلامی نقش تعیین کننده‌ای داشتند، عبارتند از مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه. این مراکز جزء پایگاهها و کانون‌های اصلی مبارزه و انقلاب بودند و در تعمیق و گسترش آرمانها و شعارهای انقلاب اسلامی و پیشبرد نهضت تأثیر به‌سزایی داشتند و نیز مراکز اصلی حضور جوانان در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شدند. به گونه‌ای که نام این مراکز تداعی کننده حضور پر شور جوانان و آمیخته با نام آنان بود. در ذیل به معرفی و بررسی تأثیر این مراکز در انقلاب اسلامی در استان چهارمحال و بختیاری پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱. مدرسه علمیه امامیه مأمَن انقلابیون

تأسیس حوزه‌ی علمیه امامیه شهرکرد در سال ۱۳۱۵ هـ. ق. توسط عالم ربانی مرحوم سیدمحمد حسنی دهکردی باعث توجه بیشتر به علم و دانش و معرفت دینی در این دیار گردید. این حوزه عالمانی شایسته تربیت نمود و تحویل جامعه داد. با تأسیس این مرکز علمی علمای بزرگ برای تدریس و تبلیغ مشتاقانه در آن جا حضور پیدا می‌کردند. حوزه علمیه امامیه در نشر احکام و جلب و جذب متدینین برای ارشاد و هدایت مردم نقش مؤثری داشت. در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب حوزه علمیه امامیه شهرکرد وارد مرحله تازه‌ای از مبارزه علیه حکومت شاه گردید و محل آمد و شد انقلابیون و نیز پناهگاه بسیار خوبی برای مخالفان حکومت شاه بود. با توجه به اعتقاد مردم به ارزش‌های الهی و اعتماد به روحانیون، معمولاً گروه‌های اسلامی و هیئت‌های مذهبی در طول این مبارزات در مقایسه با سایر احزاب و گروه‌ها پیشرو و فعال‌تر بودند، زیرا آنان در هدایت و رهبری مردم

در مبارزات نقش محوری داشتند. محل سکونت روحانیون معمولاً حوزه‌ی علمیه امامیه بود و در آنجا برای برنامه‌ریزی و انسجام بیشتر جلساتی تشکیل می‌دادند. از جمله این افراد شیخ محمد ابراهیم هاشمی را می‌توان نام برد که از قم دعوت شده بود. وی در مسجد حضرت ابوالفضل (علیه السلام) بدون پروا از مسئولین حکومتی، سخنرانی‌های پر شور و کوبنده‌ای علیه حکومت داشت (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۸۶)

۱-۳-۲. مدارس و دانشگاه‌ها

از جمله نهادهای آموزشی مدارس بودند که از نخستین زادگاه‌های فعالیت‌ها و مبارزات انقلابی در استان بود و روز به روز فعالیت آنها گسترده‌تر می‌شد. طی سال‌های منتهی به انقلاب اوضاع امنیتی استان به ویژه شهرکرد مرکز استان با آغاز سال ۵۷ روز به روز ضعیف‌تر می‌شد و کنترل از دست مأموران نظامی و امنیتی بیرون رفت. مردم کم‌کم تلاش می‌کردند ابتکار عمل در تحولات را به دست بگیرند و فرهنگیان نیز با مدیریت دانش‌آموزان در تحولات از فرصت‌ها به خوبی استفاده می‌کردند. حتی در هنگامی که تظاهرات مردمی به پا می‌شد به منظور استفاده از فضا و امکانات مدارس، مراکز آموزشی را باز می‌گذاشتند، تا در صورتی که به دلایلی عرصه بر تظاهر کنندگان تنگ شود، در آن مراکز پناه بگیرند.

از اقداماتی که در مدارس پایه‌ریزی شد می‌توان به نقشی آموزش‌دهی فرهنگیان در مدارس برای پایداری و مقاومت، اعلام حمایت و پشتیبانی فرهنگیان فارسان از فرهنگیان شهرکرد، اعتصاب فرهنگیان در فارسان، اعتصاب معلمان شهرکرد مورخ ۱۶ / ۷ / ۱۳۵۷، اعتراض فرهنگیان به برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، تظاهرات دانش‌آموزان در تاریخ ۱۷ / ۷ / ۱۳۵۷ که با راهنمایی و تشویق آموزگاران چون شهید رحمن استکی، رحمن رضوی، محمد دانش، فاضلی و رحمن کیومرثی صورت گرفت اشاره کرد (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۳۶ و ۳۳۵)

۱-۳-۳. منازل شخصی

از دیگر مراکزی که تحت عناوین مختلف از جمله جلسات قرآنی، دعای ندبه و توسل و یا بحث دینی، کانون‌هایی برای آشنایی مبارزین و انسجام بیشتر آنان فراهم می‌کرد، منازل شخصی بود. این محافل مورد توجه جوانان مسلمان شهر بود. در گزارش‌های ساواک برخی منازل شخصی محل توطئه انقلابیون معرفی شده است. آقای حاج محمد حیدری با اشاره به این موضوع می‌گوید: «ما با شهید رحمن استکی ارتباط داشتیم. فعالیت‌ها و اغلب جلسات را در منازل و به صورت ادواری تشکیل می‌دادیم. این فعالیت‌ها هم در شهرکرد بود و هم در فارسان. ما جلساتی را در خانه خودم و نیز در

منازل آقایان قدرت‌الله یداله‌ی، قدرت‌الله غفاری و حاج داوود بابایی تشکیل می‌دادیم. جلسات معمولاً برای ادامه فعالیت، ارائه اخبار و گزارش، استفاده از ظرفیت مساجد به ویژه در مناسبت‌های خاص، ارتباط با علماء و روحانیون، کشاندن سطح مبارزات در بین مردم و ... بود. (حیدری، ۲۸ / ۴ / ۸۹)

هم‌چنین جلسات ختم قرآن کریم و نیز ختم سوره‌ی انعام در منازل تشکیل می‌گردید. در این جلسات، قرآن نیز توسط روحانیون تفسیر می‌شد. در بعضی وقت‌ها نیز برخی مسئولین مثل علی نقی نیکزاد، مهندس محمد صادق دانش آشتیانی و رئیس اداره مرکز آمار شهرکرد که از فعالان مذهبی محسوب می‌شدند و از عملکرد دولت علیه مردم ناراضی بودند با شرکت در این جلسات مردم را از سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت شاه مطلع نموده و از آنان دعوت به مبارزه علیه دولت می‌کردند. این جلسات معمولاً تا پاسی از شب ادامه پیدا می‌کرد (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۷۳).

بخش سوم: فعالیت ساواک بر ضد انقلاب در استان چهارمحال و بختیاری

۱. تاریخچه ساواک در استان چهارمحال و بختیاری

از خرداد ماه سال ۱۳۴۲ شمسی که رژیم شاه با جدی‌ترین چالش از ناحیه‌ی نهضت‌های اسلامی به رهبری امام خمینی رضی الله عنه مواجه شد، در صدد برآمد تا برای حفظ وضع موجود و تحکیم پایه‌های قدرت، همه اقشار و افراد تأثیرگذار اجتماعی را با دقت هرچه بیشتر، زیر نظر قرار دهد. تقویت ساواک و گستراندن سیطره‌ی آن در سراسر کشور، یکی از تدابیر اجرایی رژیم بود. بر این اساس تأسیس ساواک مستقل برای چهارمحال و بختیاری که نیازمندی‌های اطلاعاتی مربوط به آن پیش از این به وسیله‌ی ساواک اصفهان تأمین می‌گردید، در دستور کار قرار گرفت. یکی از عوامل توجیه‌کننده‌ی داشتن تشکیلات اطلاعاتی مجزا، عشایری بودن منطقه و سوابق اصطکاک‌های جدی بین بختیاری‌ها و دربار در زمان پهلوی اول و دوم و اساساً پتانسیل‌ها و پیشینه‌ی تاریخی حضور جماعت‌های ایلی و عشایری در صحنه‌های سیاسی و نظامی کشور بود. اما نکته و علت اساسی‌تر، رصد کردن موج فزاینده تأثیر پذیری مردم از رویکردهای دین باورانه و ظلم ستیزانه و جلوگیری از گسترش نهضت‌های اسلامی بود (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸، مقدمه).

در فروردین ۱۳۴۳ شمسی سازمان اطلاعات و امنیت فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری به ریاست سرهنگ ستاد حسین ترابی در شهرکرد تشکیل و شروع به کار کرد. در سال‌های بعد به ترتیب افرادی به نام سرگرد نصرت‌الله نگهبانی (۴۵ - ۱۳۴۴)، سرهنگ احمد فرزانه (۴۷ - ۱۳۴۶)،

سرهنگ غلامحسین محبوبیان (۵۳ - ۱۳۴۷)، محمود سیاحتگر (۵۵ - ۱۳۵۳)، ریاست ساواک را به عهده داشتند. در مقطع منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، سرگرد مجتبی کامکار رئیس ساواک استان بوده است. نامبرده از سال ۱۳۵۵ تصدی این سمت را به عهده داشته است. علاوه بر شهرکرد، در شهرستان بروجن نیز تشکیلات ساواک وجود داشته است.

۲. اقدامات ساواک در استان

در این مجمل کلیاتی از نحوه فعالیت و کارشکنی‌های ساواک علیه انقلابیون در استان را مورد توجه قرار می‌دهیم.

با ورود به دهه ۱۳۵۰ و شفاف و جسورانه‌تر شدن فعالیت‌های تبلیغاتی انقلابیون، اقدامات مقابله‌ای ساواک نیز سازمان یافته‌تر می‌شود. علی‌رغم فضا سازی رژیم برای جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و تعقیب و تهدید شمار زیادی از روحانیون طرفدار امام خمینی رحمته‌الله و تشدید فضای اختناق، سخنان به زعم ساواک تحریک‌آمیز و عاظ در منابر بیشتر می‌شود و حتی مبلغان زن نیز با هدف رو شنگری به سخنرانی می‌پردازند و ضمن شبهه زدایی، مخاطبان را به تقلید از امام فرا می‌خوانند. (اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۲۳) رژیم برای برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله تدابیر امنیتی ویژه‌ای اتخاذ می‌نماید. ساواک مقرر می‌کند که افراد مظنون هر منطقه اعم از دانشجویان، اساتید، آموزگاران و محصلین شناسایی شده تا در مواقع لزوم دستگیر شوند. در سال ۵۱ در استمرار اقدامات مراقبتی رژیم، بازدید از کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها برای جمع‌آوری کتب مضره در دستور کار قرار می‌گیرد و فعالیت‌های مرتبط با نهضت امام همچنان با حساسیت دنبال شده و مشخصات و سوابق افراد مورد نظر به مرکز اعلام می‌گردد.

کنترل منابر روحانیون، جلوگیری از فروش کتب مضره از جمله کتاب‌های امام خمینی، آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان و دکتر شریعتی، گزارش تحرکات افراد انقلابی خصوصاً و عاظ و روحانیون و خصوصاً تمرکز بر فعالیت کانون جوانان اسلامی بروجن که در پیوند با روحانیون مقیم قم از جمله سید محمد مدنی و علی اصغر آل اسحق بوده است، اطلاع‌یابی‌ها و اقدامات کنترلی ساواک در سال ۵۲ را نشان می‌دهد (صدر، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

در سال ۵۵ و یک سال پس از تظاهرات ۱۵ خرداد سال ۵۴ در باره لزوم مراقبت از برخی طلاب آزاد شده، توصیه‌هایی از جانب ساواک صورت می‌گیرد. در کنار فعالیت‌هایی چون پخش اعلامیه‌های تائیدی و خطی درباره مسائل داخلی و خارجی از جمله وضع ظفار، فلسطین و توزیع تراکت‌هایی حاوی موج و ساعت پخش برنامه‌های رادیویی مخالف رژیم، اقدامات امنیتی ساواک همچنان استمرار دارد.

گزارشات نیمه اول سال ۵۶ به جز برخی اقدامات موردی، تحرک ویژه و تازه‌ای را در استان نشان نمی‌دهد. این روند تا آذر و دی ماه ۵۶ که مصادف با محرم و قیام مردم قم در ۱۹ در اعتراض به مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات علیه امام خمینی می‌باشد، ادامه دارد. با وقوع قیام مردم قم، موج جدیدی از مبارزات مردمی آغاز و فضای عمومی کل کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در همین حال و هوا مردم استان در کنار ملت مسلمان ایران با استقبال از تحریم عید نوروز برای برگزاری مراسم چهارم شهدای تبریز آماده می‌شوند.

با شروع تابستان سال ۵۷، توزیع اعلامیه‌های مربوط به حوادث انقلابی از جمله در مناطق همجوار استان ادامه و گسترش می‌یابد. در این سال با حلول ماه مبارک رمضان که مهمترین پیوند را با فعالیت‌های انقلابی مردم داشت، و فاجعه سینما رکس آبادان، و روی کارآمدن شریف امامی، امام دولت شریف امامی را توطئه خطرناک شاه اعلام کرد و هدف آن را توطئه اغفال و ملت شکستن نهضت اسلامی خواند. در این راستا فعالیت‌های انقلابی و تبلیغاتی مردم انقلابی در استان فزونی می‌یابد و به تظاهرات و اعتصابات دامن می‌زند.

ساواک در واکنش به این اقدامات عده‌ای از تظاهر کنندگان را شناسایی و دستگیر و اعلامیه‌های مضره را کشف و ضبط می‌کند. از مناسبت‌های مهم مهرماه، چهارم شهدای جمعه سیاه میدان ژاله (۱۷ شهریور) بود که فضای عمومی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد و به همین مناسبت با اعلامیه‌های مراجع قم و فضایی حوزه علمیه این شهر، دو شنبه ۲۴ مهرماه روز عزای عمومی و روز بزرگداشت شهدای ۱۷ شهریور اعلام شد و اقدامات حفاظتی ساواک گسترش یافت و بر اختناق موجود افزود.

شاه در ۲۶ دی ماه از ایران خارج شد و امام در پیامی ضمن تبریک رفتن شاه آن را اولین طلیعه پیروزی خواندند. ساختمان ساواک چند روز در اختیار مردم قرار داشت و مردم بانصب پارچه‌ای از عکس امام، ساختمان را در اختیار شهرداری قرار دادند. از ۳ روز قبل از فرار شاه، ساواک شهرکرد سرگرم بسته‌بندی و انتقال اسناد خود به ساواک اصفهان بود لذا از ۲۴ دی به بعد از عملکرد ساواک استان در زمینه انعکاس تحرکات انقلابی مردم هیچ نشانی به جز یکی دو مکاتبه اداری مربوط به کارمندان و ساختمان ساواک، وجود ندارد.

نتیجه گیری

باتوجه به چارچوب نظری این مقاله، برای بررسی چگونگی انتقال عقاید و جریان‌های انقلابی به استان چهارمحال و بختیاری، سه نوع پخش در مورد انتقال عقاید انقلابی و معرفی مهم‌ترین پروسه‌های

موجود در آنها بکاربرده شد: پخش جابه‌جایی یا فیزیکی، پخش سرایتی و پخش سلسله مراتبی. موضوع پخش در انقلاب اسلامی ایران همان عقیده انقلابی یا همان ایده تشکیل حکومت اسلامی بود. چگونگی انتشار این عقیده به سایر نقاط کشور از جمله شهرکرد به سه صورت فیزیکی، سرایتی و سلسله مراتبی قابل بررسی است. در انتقال عقاید به شیوه فیزیکی تبلیغات، همفکران و مریدان امام و حمایت نهاد مرجعیت و شبکه‌ی روحانیت مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کردند. در کنار این نوع انتقال، انتشار عقاید به شیوه سرایتی نیز وجود داشته است که جلوه بارز آن انتشار اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های امام علیه السلام بوده است. این سخنرانی‌ها و اعلامیه‌ها همانطور که از اسناد ساواک نیز پیداست، به وسیله‌ی نمایندگان معتمد امام به استان انتقال یافته و سپس به دست سایر انقلابیون توزیع و منتشر می‌شد. با پخش اعلامیه‌ها در بین انقلابیون، آنها در جریان کم و کیف مواضع امام قرار می‌گرفتند. این موارد را می‌توان از موارد انتقال سرایتی بر شمرد که نقش مهمی در انتقال عقاید و اندیشه‌های انقلابی به شهرهای مختلف ایفا کرده است. از دیگر شیوه‌های انتقال و پخش نوآوری‌های سیاسی در شهرکرد، شیوه پخش سلسله مراتبی می‌باشد. بازار، روحانیت و دانشگاه‌ها مهم‌ترین شبکه‌های انتقال عقاید در این نوع پخش به‌شمار می‌روند. در این نوع پخش عقاید انقلابی به صورت سلسله مراتبی از یک مرکز اصلی به سایر نقاط انتشار پیدا می‌کند. اماکنی که مرکز تجمع و ثقل فعالان انقلابی و عقاید آنها به‌شمار می‌روند، مهم‌ترین نقش را در این نوع انتقال عقاید به عهده دارند. مهم‌ترین کانون‌های انقلابی موجود در استان عبارت بودند از: مساجد، دانشگاه‌ها، مدرسه امامیه شهرکرد، هیات محمدیه بروجن، هیات ابوالفضل علیه السلام، انجمن مبارزه با بهائیت، کانون جوانان اسلامی بروجن، انجمن مددکاران امام زمان علیه السلام، کتابخانه‌ها و سالن ورزشی انقلاب شهرکرد. به این ترتیب می‌بینیم که هر سه نوع راه‌های انتقال که در نظریه‌ی پخش مطرح شد، در انتقال عقاید انقلابی به شهرکرد دخیل بوده‌اند. این مسیرها در کنار خصوصیت مذهبی مردم این استان باعث می‌شد که جریان‌های انقلابی در قم مورد توجه اهالی این شهر خصوصاً جوانان تحصیلکرده‌ی مذهبی قرار گرفته و حرکت‌های انقلابی در سراسر استان به ویژه در شهرکرد مرکز استان شکل بگیرد. در ادامه اقدامات و کارشکنی‌های ساواک به عنوان مهم‌ترین مانع انتشار عقاید انقلابی در استان مورد بررسی قرار گرفت.

منابع

۱. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۷۹) *تحلیلی منطقه‌ای از روابط متقابل شهری و روستایی در سیستان*،

- رساله دکتری جغرافیایی و برنامه ریزی شهری - منطقه‌ای، دانشگاه اصفهان
۲. اداره کل اطلاعات استان چهارمحال و بختیاری، (۱۳۸۸) *روایت اسناد ساواک در استان چهارمحال و بختیاری*، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
۳. *اسناد لانه جاسوسی آمریکا*، دانشجویان پیرو خط امام، ج ۷، مجله امید ایران، ۷ خرداد ۵۸.
۴. آهنجیده. اسفندیار. (۱۳۸۴). *ایل بختیاری و مشروطیت*. بی‌جا: نشر ذره بین.
۵. باغ پرور، نسیم، (۱۳۸۸) *چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی در شهر اردبیل*، (پایان نامه کارشناسی ارشد) تهران: دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.
۶. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، *نظریه بخش و بازتاب انقلاب اسلامی*، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۸.
۷. پایدار، حسین. (۱۳۸۶). *انقلاب اسلامی در بجنورد*. تهران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۸. رضوانی، علی اصغر (۱۳۷۴) روابط متقابل شهر و روستا با تأکید بر ایران، تهران، انتشارات پیام نور
۹. شریف پور، حسین (۱۳۷۸)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، جلد اول، تهران، انتشارات گیتا شناسی.
۱۰. شکویی، حسین، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، جلد اول، تهران: انتشارات گیتا شناسی، ۱۳۷۸.
۱۱. شهبازی، حسین (۱۳۷۴)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، جلد اول، تهران، انتشارات گیتا شناسی.
۱۲. صباغ جدید، محمد حسین، (۱۳۸۶). *گذری بر انقلابی اسلامی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۳. صدر. سیدمحمد. (۱۳۸۸). «*نگاهی گذرا به روند شکل‌گیری انقلاب در ایران*». مجله متین. شماره ۲۴۱.
۱۴. عاقلی، باقر (۱۳۷۴)، *نخست وزیران ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی*، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ دوم.
۱۵. اللهیاری. فریدون. (۱۳۸۸). *انقلاب اسلامی در اصفهان*. تهران. مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۶. مردانی کرانی، سعید، (۱۳۷۵)، *پژوهشی در تاریخ، فرهنگ و تمدن چهارمحال و بختیاری*، شهرکرد: انتشارات ایل.
۱۷. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (۱۳۸۲). *از جنوب لبنان تا جنوب ایران*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۸. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۷۸)، *ترور شاه به روایت اسناد ساواک*، تهران. چاپ اول.
۱۹. نیکزاد امیر حسینی، کریم، (۱۳۵۴) *شناخت سرزمین چهارمحال و بختیاری*، جلد ۱، تهران: چاپ نشاط.
20. Hagerstrand, T. (1968). *Innovation Diffusion as a Spatial Process* university of Chicago Press
21. Palloni, Alberto 2007, *Theories and Models of Diffusion in Sociology*; Center for

مصاحبه‌ها

۱. ابوالقاسم بزرگی، ۹ / ۸ / ۱۳۹۰، متولد ۱۳۲۱، آخرین مسئولیت وی مدیریت مراکز آموزشی ترویجی وزارت جهاد کشاورزی.
۲. حاج علیمراد عبدالهیان، متولد ۱۳۱۵، فرزند فتح‌الله، از بازاریان انقلابی شهرکرد.
۳. حسین شهبازی، متولد ۱۳۳۲، فرزند علی اکبر، بازنشسته بیمارستان و در حال حاضر بازاری.
۴. رحمن رضوی، متولد ۱۳۳۳، از دانش آموزان انقلابی، هم اکنون معلم بازنشسته.
۵. سید مجتبی حجازی، ۲۰ / ۵ / ۱۳۸۹، از بازاریان انقلابی شهرکرد.
۶. عباس پیکار، ۱۸ / ۸ / ۹۴، شهرکرد، متولد سال ۱۳۴۱، بازنشسته.
۷. علی نیلیه، ۱۶ / ۸ / ۱۳۸۹، متولد ۱۳۱۸، بازاری
۸. منصور سعادت، ۱۶ / ۸ / ۱۳۹۴، متولد ۱۳۳۲، معلم بازنشسته.